

سازمان و قوانین آموزش پرورش

مؤلفین:

مرجان بهزادفر

زهرا سلیمانی دیزیچه



انتشارات رازنهان

۱۳۹۸

سرشناسه	: بهزادفر، مرجان، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: سازمان و قوانین آموزش و پرورش / مولفین مرجان بهزادفر، زهره سلیمانی دیزپچه.
مشخصات نشر	: تهران: راز نهان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۱ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۸-۶۴۲-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: آموزش و پرورش — ایران
موضوع	: Education-- Iran
موضوع	: آموزش و پرورش — ایران — برنامه‌ریزی
موضوع	: Education-- Iran-- Planning
موضوع	: آموزش و پرورش و دولت — ایران
موضوع	: Education and state-- Iran
موضوع	: آموزش و پرورش — ایران — نیروی انسانی
موضوع	: Education-- Iran-- Manpowe
شناسه افزوده	: سلیمانی دیزپچه، زهره، ۱۳۵۴ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ س ۹۷۸ / ۳۵ LA
رده بندی دیویی	: ۳۷۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۳۳۵۴۰

آدرس: میدان انقلاب، اول جمال زاده، کوچه دانشور، پلاک ۱۲، واحد ۲
شماره تماس: ۰۹۱۲۲۳۳۰۱۹ - ۰۲۶۹۰۱۸۴۱
آدرس الکترونیکی: raznahanbook@gmail.com
آدرس سایت: www.raznahanbook.com



عنوان کتاب..... سازمان و قوانین آموزش پرورش
مؤلف..... مرجان بهزادفر، زهره سلیمانی دیزپچه
صفحه آرا..... رضا کاوه
طراح جلد..... رضا کاوه
ناشر..... رازنهان
شمارگان..... ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ..... اول ۱۳۹۸
قیمت..... ۲۶۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-448-642-2

فهرست مطالب

۱۱		مقدمه
۲۱		فصل اول: سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش
۲۱		مقدمه
۲۲		مفهوم، قلمرو و تاریخچه سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش
۲۳		تغییر در سیاست‌های آموزش و پرورش زمینه‌ساز فرایند جهانی شدن
۲۵		سیاست‌های راهبردی رهبر، آموزش
۲۶		مسائل اساسی سیاست‌های آموزش و پرورش
۲۸		فرایند سیاست‌گذاری در نظام آموزش
۲۹		تاریخچه سیاست‌های آموزش و پرورش در ایران
۳۰		مروری بر سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر
۳۰		الف. سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در دهه بیست و یکم اول عمرانی ایران
۳۱		ب. سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در طی دهه بیست و دوم عمرانی ایران
۳۱		پ. سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در طی برنامه سوم عمرانی ایران
۳۲		ت. سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در طی برنامه چهارم عمرانی ایران
۳۳		ث. سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در طی برنامه پنجم عمرانی ایران
۳۳		ج. سیاست‌های آموزش و پرورش طی برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۴۰		ح. سیاست‌های آموزش و پرورش در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی ایران
۴۱		جمهوری اسلامی ایران
۴۲		خ. مراحل سه گانه تحولات نظام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش
۴۳		د. تحلیل مراحل سه گانه تحولات نظام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش
۴۶		ذ. آسیب شناسی نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش و توجه‌های راهبردی

برنامه‌های توسعه بخش آموزش و پرورش و پیوند آن‌ها با برنامه آموزش برای همه	۴۹
تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قانونی، روان شناختی، بر نظام آموزشی ...	۵۱
۱- عوامل اقتصادی	۵۱
۲- عوامل اجتماعی	۵۳
۳- عوامل فرهنگی	۵۴
۴- عوامل سیاسی	۵۴
۵- عوامل روان شناختی	۵۵
۶- عوامل اعتقادی و آرمانی	۵۶
توسعه اقتصادی آموزش و پرورش با تأکید بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران	۵۶
نظریه سرمایه انسانی	۵۷
مفهوم اقتصاد آموزش و پرورش	۵۷
اهداف اقتصادی آموزش و پرورش در ایران	۵۷
مفهوم توسعه اقتصادی	۵۸
بررسی وضعیت اقتصادی آموزش و پرورش در ایران	۶۰
سرايه آموزشی در ایران	۶۱
اقتصاد آموزش و پرورش در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران	۶۲
اقتصاد مقاومتی و آموزش و پرورش	۶۳
فصل دوم: سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش	۶۵
مقدمه	۶۵
مفهوم تحول بنیادین در آموزش و پرورش	۶۷
اهداف سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش	۶۹
چالش‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۷۱
۱- منابع مالی	۷۱
۲- تجهیزات آموزشی	۷۱
۳- تخصص	۷۲
۴- تکلیف	۷۲
موضوع: سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران	۷۲
۱- بیانیه ارزش‌ها	۷۳
۲- بیانیه مأموریت	۷۶
۳- چشم‌انداز	۷۷

۷۸	۴- هدف های کلان
۷۹	۵- راهبردهای کلان
۸۱	چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش
۸۱	۱- سیاست‌گذاری، نظارت و ارزیابی در سطح کلان
۸۱	۲- برنامه‌ریزی و نظام اجرای
۸۲	نحوه ترمیم و به‌روزرسانی سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی
۸۲	ضرورت تحول بنیادین در آموزش و پرورش کشور
۸۶	توانمندسازی مدارس در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۹۱	اجرای سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری در آموزش و پرورش به کجا انجامید؟
۹۳	هوشمند سازی مدارس در ایران
۱۰۳	فصل سوم: بررسی مزایا و معایب نظام آموزشی (۳-۳-۶)
۱۰۳	مقدمه
۱۰۴	نظام آموزشی
۱۰۴	تاریخچه‌ای از نظام آموزشی در ایران
۱۰۵	دلایل تغییر نظام آموزش در سال ۶۰
۱۰۵	تغییرات انجام شده در نظام آموزش در سال ۷۱ - ۷۰
۱۰۶	تغییرات نظام آموزشی طی ۱۰۰ سال
۱۰۷	ویژگی‌های نظام آموزشی جدید
۱۰۷	مزایای نظام آموزشی (۳-۳-۶)
۱۱۰	معایب نظام آموزشی (۳-۳-۶)
۱۱۲	متولی تربیت‌معلم آموزش عالی با آموزش و پرورش
۱۲۰	بررسی راهکارهای مشارکت دولت و بخش خصوصی در آموزش و پرورش
۱۳۳	فصل چهارم: مقایسه سازمان آموزش و پرورش در ایران و چند کشور منتخب
۱۳۳	مقدمه
۱۳۴	سازمان آموزش و پرورش ایران
۱۳۴	اصول و اهداف کلی آموزش و پرورش ایران
۱۳۵	انواع مقاطع و دوره های تحصیلی در آموزش و پرورش ایران
۱۳۶	هدف کلی برنامه های درسی و تربیتی در نظام آموزش و پرورش ایران
۱۳۶	اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی آموزش و پرورش ایران
۱۳۹	ساختار آموزشی ایران

۱۴۴.....	دوره‌ی ابتدایی در ایران
۱۴۵.....	اهمیت دوره‌ی ابتدایی
۱۴۵.....	اهداف دوره‌ی ابتدایی در ایران
۱۴۶.....	قوانین دوره‌ی ابتدایی
۱۴۸.....	سیستم نمره دهی
۱۴۸.....	انواع مدارس ابتدایی در ایران
۱۴۹.....	اهداف دوره‌ی راهنمایی
۱۵۰.....	برنامه درسی دوره‌ی راهنمایی در ایران
۱۵۰.....	دوره‌ی متوسطه در ایران
۱۵۲.....	اهداف دوره‌ی متوسطه نظری
۱۵۳.....	ساختار دوره‌ی متوسطه
۱۵۳.....	نظام آموزش و پرورش ابتدایی
۱۵۶.....	ساختار آموزشی آمریکا
۱۶۳.....	نظام آموزش و پرورش ژاپن
۱۶۷.....	نظام آموزشی کره جنوبی
۱۷۴.....	آموزش و پرورش ترکیه
۱۷۵.....	مقایسه تقویم تحصیلی و زمان آموزش ایران با سایر کشورها
۱۷۶.....	انواع الگوی تقویم تحصیلی
۱۷۸.....	الف) زمان اختصاص یافته به کلاس درس
۱۸۳.....	ب) طول سال تحصیلی
۱۸۳.....	ج) میانگین ساعات آموزشی در یک سال تحصیلی
۱۸۴.....	د) میانگین مدت یک روز تحصیلی
۱۸۷.....	فصل چهارم: بررسی تطبیق آموزش و پرورش کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه
۱۸۷.....	مقدمه
۱۹۰.....	چگونگی تأمین منابع مالی آموزش و پرورش در ایران و کشورهای منتخب
۱۹۱.....	سرانه دانش آموز یا سرانه آموزشی
۱۹۲.....	مقایسه بودجه آموزش و پرورش در ایران و کشورهای منتخب
۱۹۵.....	مقایسه متوسط سال‌های تحصیلی بزرگسالان در ایران و کشورهای منتخب
۱۹۶.....	بررسی تطبیقی فعالیت‌های فوق برنامه دوره ابتدایی ایران با کشورهای آمریکا، انگلستان و مالزی
۱۹۹.....	مرحله اول و دوم: توصیف و تفسیر

۱۹۹	فعالیت‌های فوق‌برنامه در ایران
۲۰۱	فعالیت‌های فوق‌برنامه در آمریکا
۲۰۳	فعالیت‌های فوق‌برنامه در انگلستان
۲۰۵	فعالیت‌های فوق‌برنامه در مالزی
۲۰۶	مرحله سوم و چهارم: هم‌جواری و مقایسه
۲۱۲	شباهت‌های فعالیت‌های فوق‌برنامه چهار کشور مورد مطالعه
۲۱۲	تفاوت‌های فعالیت‌های فوق‌برنامه کشورهای مورد مطالعه
۲۱۵	فصل ششم: قوانین و مقررات رسیدگی به تخلفات اداری در آموزش و پرورش
۲۱۵	تعریف قانون
۲۱۵	وضع قانون
۲۱۶	آیین‌نامه اجرایی قانون
۲۱۶	حق مکتسب قانون
۲۱۶	تعریف تخلف اداری
۲۱۷	آثار محکومیت اداری
۲۱۸	نمونه مصادیق تخلفات اداری در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری
۲۱۹	دیگر مصادیق تخلفات اداری منطبق با ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری
۲۲۰	حقوق اداری در آموزش و پرورش
۲۲۱	معلم و ارکان اداری
۲۲۵	منابع

مقدمه

نقش آموزش و پرورش از ابعاد مختلف در پیشبرد اهداف توسعه انکارناپذیر است زیرا به باور بسیاری از کارشناسان، آموزش و پرورش هم هدف توسعه است و هم ابزار توسعه. این کارکرد دوگانه، ماهیتی کاملاً متغیر و متأثر از شرایط محیطی برای این بخش به وجود آورده است. الگوهای متعدد و متنوعی بر برنامه‌ریزی بخش آموزش و پرورش تأثیرگذار هستند که در شرایط مختلف زمانی و مکانی اشکال مختلف به خود می‌گیرند. ورود به هزاره سوم، با آغاز تعریف رویکردهای نوینی به کارکردهای آموزشی و پرورشی بوده است. بازتعریف نقش آموزش و پرورش و نتایج اقتصادی - اجتماعی حاصل از آن، دیدگاه‌های جدیدی را برای این بخش به وجود آورده است که همگی بر ضرورت استقرار نظام‌های برنامه‌ریزی اثربخش با قابلیت انعطاف‌پذیری کارا، کبید دارند. رویکردهای نوین آموزشی و پرورشی در چهار حوزه اصلی «برنامه‌ریزی نتیجه محور»، «نظام برنامه‌ریزی آموزشی»، «مدیریت مدرسه محور» در مدیریت واحدهای آموزشی، مدیریت معلمان در مدیریت منابع انسانی و «مشارکت بخش دولتی غیردولتی» در مدیریت منابع مالی قابل دسته‌بندی بوده و همگی بر ارتقاء کیفیت فعالیت‌های آموزشی و پرورشی متمرکز هستند.

آموزش و پرورش می‌تواند ما را در فهم آنچه انسانیت درباره خود اموخته است یاری رساند، می‌تواند ما را یاری کند تا وجود خود را در متن قرار دهیم، می‌تواند ما را برای تغییر مهیا کند یا می‌

تواند ما را برای تصمیم‌گیری درباره آینده خود یاری رساند. البته آموزش و پرورش تنها پاسخ و داروی همه دردها نیست؛ اما بدون آموزش هم پاسخی نخواهیم داشت. به هر یک از بلاهای عصر حاضر بیندیشید: انحطاط اخلاقی، بیکاری، فقر شدید، نابودی محیط زیست، افزایش خرافات، بنیادگرایی تبعیض‌نازادی، خشونت شهری و مانند آن، هر کدام از آنها وجدان بشر را به چالش فرا می‌خوانند و می‌طلبند که سفری درونی برای تغییر اندیشه‌ها و قلبها آغاز شود. هر یک از آموزش و پرورش تمنا می‌کنند که ظرفیت انسان را تعالی بخشد. امروزه آموزش به عنوان بنیانهای سیاستهای عمومی در همه جا معرفی می‌شود. بنیان برای همبستگی اجتماعی، برای پیشرفت اقتصادی، برای رقابت علمی پایدار، برای تعالی انسانیت و برای ایجاد صلح در جهان (یونسکو، ۱۹۹۸، به نقل از روف، ۱۳۸۸)

آموزش از قویترین اهرم برای آزادسازی وجود انسان از بندگی و رها کردن مردم از عقب ماندگی برخوردار است. یادگیری و تجربه مردم با سرمایه‌های معنوی هستند که می‌توانند رقابت‌پذیری و عملکرد اقتصادی را تعالی بخشند. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که آموزش و پرورش به عنوان زیربنایی‌ترین نهاد در جامعه، شرط اصلی و تردیدناپذیر توسعه همه جانبه کشور است. چنانچه در اعتلای حقیقی این نهاد مقدس توفیق لازم حاصل نشود در هیچ یک از عرصه‌های دیگر موفق نخواهیم شد. (ملکی، ۱۳۸۹)

در کشوری مانند ایران به دلیل محدودیتهای ناشی از کمبود نیروی انسانی، ماهر، این موضوع از نقش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موضوعی که در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته مانند ژاپن و کره جنوبی، نتیجه بخش بوده و مسیر توسعه را فراهم کرده است. در ژاپن، اعتماد بر این است که انسان هم هدف توسعه و هم عامل توسعه است و اگر کشوری نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثر بهره‌برداری نکند، قادر نیست هیچ چیز دیگر را توسعه دهد. در این کشورها، آموزش و پرورش به عنوان یکی از اصیل‌ترین و وسیع‌ترین نظامهای فرهنگی که نقش آماده‌سازی نیروی انسانی را بر عهده دارد از اهمیت زیادی برخوردار است و بیشترین بودجه‌ی ملی را به این امر اختصاص می‌دهند. همه‌ی نهادها، گروه‌هایی که به نوعی در تحقق توسعه‌ی کشور مشارکت دارند، ریشه‌ی همه مشکلات، نابسامانی‌ها و بحرانهای اجتماعی را در سیستم و فرآیند آموزشی جستجو می‌کنند. اگر قرار است که جامعه‌ی در حال گذار ایران به

سلامت از گردنه های دشوار تغییرات اجتماعی گذر کند، بایستی نظام آموزشی و پرورشی صرف نظر از تأخیراتی که تاکنون در ورود به عرصه ی مهندسی اجتماعی داشته است، سهم و مسئولیت بیشتری در قبال جامعه بر عهده بگیرد و نقش های جدید تری را در خروج از بن بست کنونی و رسیدن به جامعه ی مطلوب ایفا نماید. این مهم میسر نمی شود مگر اینکه تمامی عوامل زیر بنایی و موثر بر نظام آموزشی و پرورشی کشور بتواند خود را تقویت نموده و از قید و بندها و مشکلات بی شماری که گریبان گیرشان است رها سازند. (کاشانی و رستم پور، ۱۳۹۲)

-آموزش

آموزش در لغت به معنای انتقال معلومات و مهارتها به دیگران است، به طوریکه این معلومات و مهارتها به کار آیند و موجب تحول و دگرگونی در رفتار شوند (تقی پور ظهیر، ۱۳۸۸). آموزش به طور کلی دانش و مهارتهای ادراک و غیر ادراکی افراد را ارتقاء می بخشد. دانستن واقعیتهای فرآیندها، توان درک مفاهیم و به کارگیری آن توانمندی حل مسئله و کسب قدرت تحلیل و استدلال از جمله مهمترین مهارتهای ادراکی هستند که مراد از طریق آموزش دیدن به آن می رسند. رسالت آموزش را می توان به صورت زیر خلاصه نمود « یادگیری برای دانستن، برای بودن، برای انجام دادن و برای باهم زیستن » که همه اینها شرایط لازم برای یادگیری مادام العمر را فراهم می آورد (نادری، ۱۳۸۳)

-آموزش و پرورش

آموزش و پرورش برای توانمند ساختن رهبران حال و آینده، شهروندان برای خلق راه حلها و کشف روشهای جدید برای ایجاد آینده ای بهتر بسیار مهم و حیاتی قلمداد می شود (یونسکو، ۱۳۷۸). همانطور که اشاره شد، آموزش در لغت به معنای انتقال معلومات و مهارتها به دیگران است، به طوریکه این معلومات و مهارتها به کار آیند و موجب تحول و دگرگونی در رفتار شوند. پرورش به معنای فراهم آوردن زمینه برای شکوفایی تواناییهای درونی و استعدادهای طبیعی است. آموزش که به عنوان وسیله یا زمینه ساز پرورش است، همراه با پرورش به صورت دو مفهوم مترادف معادل با واژه تربیت که آن نیز به معنای پرورده و بار آوردن است به کار برده می شود. لذا آموزش و پرورش

امری مختص انسانها است (تقی پورظهير، ۱۳۸۸). باید به این موضوع نیز اشاره کرد که آموزش و پرورش تعاریف گوناگونی دارد. گاهی فرایند کسب معرفت و علم و در مواردی نتیجه چنین فرآیندی آموزش و پرورش نامیده می شود. نیازهای گوناگون زندگی انواع نوین آموزش و پرورش را طلب می کنند. شیوه های زندگی از نسلی به نسلی تجدید شکل پیدا می کنند. ولی این تجدید شکل همواره با تجارب بیشتر و انگاره های پیچیده تری همراه است. نسلهایی که در مدارس قدیم فقط به یادگیری خواندن، نوشتن و حساب کردن می پرداختند، جای خود را به نسلهایی سپرده اند که محیط های سازمان یافته آموزش و یادگیری، طبق برنامه های منظم در جریان آموزش و پرورش عمومی، فنی، تخصصی و در دانشگاه قرار می گیرند. از این رو شرایط جامعه متحول، مستلزم ایجاد نهاد خاصی به نام دبیرستان می باشد. مدرسه است تا آنچه را که نسل های گذشته در شکل ساده تر در خانواده فرا می گرفتند، اکنون در اشکال گوناگون و پیچیده تر در این نهاد بیاموزند (علاقه بند، ۱۳۹۲).

وزارت آموزش و پرورش

وزارت آموزش و پرورش مهم ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرایند تعلیم و تربیت در همه ساحت های تعلیم و تربیت، قوام بخش فرهنگ عموم و عالی بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها است و مأموریت دارد تا با کمک به شایستگی های پایه، زمینه دستیابی دانش آموزان لازم التعلیم را طی ۱۲ پایه تحصیلی، به مراسمی از جمله طایفه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش برساند. انجام این مهم، نقش زیر ساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی داشته است. بدون شک این عوامل بستر اجرایی چنین مأموریتی در آموزش و پرورش است.

معلم

معلم یکی از ارکان مدرسه است و وظیفه زمینه سازی برای تحقق نظام تربیت رسمی و عمومی را بر عهده دارد. با عنایت به یافته های فلسفه تربیت و نیز با توجه به معنای تربیت می توان معلم را راهنمای خردمند آمینی دانست که وظیفه برنامه ریزی، آموزش، پشتیبانی، مشورت، بازخورد دادن و ترغیب دانش آموزان برای به چالش کشاندن موقعیت های کنونی جهت بسط و توسعه ظرفیت های وجودی را بر عهده دارد. معلم باید قادر به تشخیص قابلیت ها و نقاط قوت و ضعف خود باشد و بتواند

سطح بلوغ فکری و روانی خود را ارتقا دهد. بتواند برنامه های آموزشی و تربیتی خود را به گونه ای سازماندهی نماید تا زمینه برای رشد و توسعه ظرفیت های وجودی و دستیابی دانش آموزان به مراتب حیات طیبه فراهم شود. آنان باید از نظر جسمی، دانش و مهارت حرفه ای در سطح بالا قرار داشته و دائم مورد سنجش صلاحیت های حرفه ای قرار گیرند و استخدام آنان منوط به داشتن آمادگی در حد مطلوب باشد. آنان باید علاقه مند به تدریس بوده و نسبت به آن عشق و علاقه فراوان داشته و از طرفی سعی در روزآمد نمودن خود در کسب مهارت های مورد نیاز داشته باشند. معلم باید پژوهنده باشد، یعنی معلمی که از کنار مسایل آموزشی و تربیتی به سادگی عبور نکند و در این ارتباط با پژوهشگاه های مختلف ارتباط علمی و آموزشی داشته باشد (شاه محمدی، ۱۳۹۳).

همچنین مدیر کارکنان: مدرسه اعم از عوامل آموزشی و اداری که در این مدرسه مشغول به خدمت اند باید نیروی انسانی مجرب و ماهری قلمداد شوند که دارای دانش، تجربه و مهارت کافی بوده و ضمن علاقه به انجام فعالیت های آموزشی از انگیزش و بینش و نگرش کافی در انجام وظایف آموزشی و پرورشی برخوردار بوده و به مفهوم آموزش و پرورش تفکیک قایل نشوند و بر هر دوی آنها تسلط کافی داشته باشند. مشاور به تنهایی یک مشاور تحصیلی قوی باشد بلکه در سطح یک روانشناس به دانش آموزان و اولیا مشاوره دهد. معلم به اشت نیز یک فرد مطلع و آگاه و در حد یک کارشناس ارشد مسایل زیستی بهداشت فردی و گروهی، تغذیه و بهداشت روانی دانش آموزان و مدرسه را کنترل نماید. به علاوه، چنین کسی باید آشنا به رفتار شهروندی سازمانی بوده که خود موجب بهبود اثربخشی برنامه ها و فعالیت های این مدرسه و موجب بستن دانش آموزان و اولیا به محیط مدرسه و کلاسهای درس خواهد شد. معلمان در چنین نگاهی با افرادی علاقه مند، فعال، مسلط به دانش و مهارت های حرفه ای و مجرب در مهارت های مبتنی بر فناوری های نوین بوده و نه تنها از این مهارت ها در کلاس درس بهره بگیرند، بلکه همواره در حال روزآمد نمودن دانش و کسب این مهارت ها برای ارتقای دانش و مهارت حرفه ای در تدریس به فراگیران باشند (رهنامه فلسفه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، ۱۳۸۹).

روش های تدریس معلمان باید، نوین، متناسب با موضوع یادگیری و توانایی دانش آموزان انتخاب شده و توسط معلمان مجرب، ماهر، علاقه مند و آگاه ارایه گردد. بنابراین مدیریت کلاس درس و

تدریس محتوا به صورتی اثر بخش توسط معلمانی که تربیت شده اند اجرا می گردد و همه دانش آموزان از حضور در کلاس های درسی لذت وافر خواهند برد (حاجی بابایی، ۱۳۹۱)

-دانش آموز

دانش آموز هدف اصلی هر نظام آموزشی و حاصل تعلیم و تربیت مدرسه است؛ چرا که هر آنچه در نظام تعلیم و تربیت جریان دارد هدف آن هدایت و تربیت دانش آموز است، پس از این نظر دانش آموز محور اصلی درس محسوب می گردد. معنا و مفهوم تربیت برای دانش آموزان به گونه ای است که در آن عقلانیت، گاهی، آزادی، حصول به مفاهیم والای قرآنی، توجه به تدریجی و پیوسته بودن، تعاملی و دوسویه بودن، هم جانبه ردن، متعادل بودن، جامع و مانع بودن، توجه به مراتب حیات طبیعه فطرت و طبیعت، تاکید بر نیازهای اسلامی، زندگی سالم و حیثیت اجتماعی، توجه به چالشهای موجود و پیش رو و توجه به مسئولیت موم برای دانش آموز مورد تاکید قرار دارد (فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰) از طرف دیگر تمامی تلاشها در نظام آموزش به دنبال ایجاد شریاطی است که در آن دانش آموز نه تنها به عنوان شریک اولی مدرسه در فرایند آموزش معرفی گردد، بلکه به عنوان شریک معلم در پرورش حرفه ای او نیز بلمداد شود. در چنین شریاطی دانش آموز یک یادگیرنده فعال است و مسئول یادگیری خود خواهد بود. در چنین صورت دانش آموزان همکاران مدیر و معلمان تلقی شده و حتی مسئولیت اداره برخی امور را بر عهده می گیرند. دانش آموزان از مختلف و حتی کمک در آموزش به سایر دانش آموزان هم گروه را به عهده می گیرند. دانش آموزان از عزت نفس و اعتماد به نفس قوی برخوردارند و تعلیم و تربیت آنها به گونه ای خواهد بود که مدرسه را از آن خود دانسته و برای حفظ آن تلاش می کنند. به عبارت دیگر دانش آموزان آنها در فعالیت های آموزشی و درسی مشارکت فعال دارند، بلکه در اداره مدرسه نیز مشارکت می جویند. در موقعیت های مناسب رفتارهای ناپسند فراگیران تصحیح می شود و دانش آموزان فرایند اصلاح رفتار خود را درک و تجربه می نمایند. از طرفی مدرسه شهروندانی تربیت می کند که به مسائل جهانی نیز علاقه مندند و نسبت به تحولات آن واکنش نشان می دهند (آمار، ۱۳۸۷)

- مدیران و کارکنان آموزشی:

مدیریت از ارکان سازمان و جامعه است و نیاز به مدیریت و رهبری در همه زمینه های فعالیت های اجتماعی محسوس و حیاتی است. مدیریت آموزشی از بین سایر انواع مدیریت از جایگاه ویژه و

حساسی برخوردار است. اگر آموزش و پرورش هر جامعه در راس همه مسائل جامعه باشد، مدیریت آموزشی نیز با همان منطق جایگاه مهم در توسعه جامعه دارد. امروزه مدیریت و رهبری سازمانها و نهادها تا حد زیادی به کارایی و اثر بخشی مدیریت بستگی دارد. بنابراین اگر مدیران آموزشی جامعه از مهارت و دانش کافی برخوردار باشند، بدون تردید نظام آموزشی اثربخشی خواهیم داشت. مدیر و رهبر آموزشی، علاوه بر دانایی و توانایی در زمینه های فنی و انسانی کار خود، باید بتواند وظایف آموزش و پرورش، رهبری و مدیریت آن را در یک زمینه کلی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی ملاحظه کند. به عبارت دیگر، دارای مهارتهای فنی و انسانی و مهارت ادراکی باشد. علاوه بر مهارتهای فوق یک مدیر آموزشی باید خلاق نیز باشد تا با اهمیت دادن و تشویق معلمان به خلاقیت، زمینه رشد و شکوفایی و پربری استعدادهای خلاق دانش آموزان نیز فراهم کند.

وظایف مدیر در رشد و توسعه خلاقیت را می توان شامل موارد زیر دانست:

- ۱- ایجاد جوی مناسب برای خلاقیت
- ۲- ایجاد نظام انگیزشی خودکشی مناسب
- ۳- ایجاد ساختار سازمانی مناسب
- ۴- ایجاد سیستم ارتباط مشارکت جویانه
- ۵- انتخاب سبک مدیریت مناسب و انعطاف پذیر
- ۶- توسعه و تقویت ویژگیهای مدیریتی خلاق خود
- ۷- اهتمام در ایجاد فرهنگ سازمانی مناسب
- ۸- فراهم کردن امکانات و تکنولوژی و شرایط فیزیکی (محمدی، ۱۳۸۴)

- برنامه درسی

در عصر حاضر، جوامعی پیشرو و موفق هستند که بهتر فکر می کنند، در برخورد با مسائل راه حل های بهتری ارائه می دهند و با شیوه های موفقیت آمیز بر مسایل غلبه می کنند. پرورش عادات صحیح فکر کردن در یادگیرندگان، یکی از وظایف اساسی و مهم دست اندرکاران تعلیم و تربیت، به ویژه مولفان کتب درسی است. ایجاد شرایط مطلوب برای 'ندیشیدن، تحریک تفکر خلاق دانش

آموزان و تشویق و راهنمایی یادگیرندگان برای کسب مهارت های صحیح تفکر و اندیشه و آموزش آفرینندگی و خلاقیت، از طریق کتب درسی انجام می گیرد؛ بنابراین برنامه ریزی درسی صحیح و حساب شده و تالیف کتب درسی مفید و سودمند می توانند در بالا بردن قوه خلاقیت شاگردان بسیار موثر باشند. این واقعیت نباید نادیده گرفته شود که در هر جامعه ای، تحولات و تغییرات سریع و فزاینده رخ می دهد و اگر نظام آموزشی نتواند توانایی حل مسایل ناشی از این تغییرات را به یادگیرندگان بیاموزد، به موفقیت آتی خود لطمه وارد کرده است. بنابراین، برنامه های درسی باید به روش های سلاقه - فراگیران تاکید ورزند و خلاقیت وارد برنامه های درسی شود (مومنی مهنوی، ۱۳۸۸)

-جامعه

آموزش یکی از زیرشاخه های اجتماعی شدن است. اجتماعی شدن یا جامعه پذیری، فرایندی است که به انسان راههای زندگی کردن در جامعه را می آموزد، شخصیت می دهد، و ظرفیت های او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه، توسعه می بخشد. از اهداف اساسی اجتماعی کردن می توان به موارد زیر اشاره کرد:

فراگرفتن مهارت های ضروری؛

برقراری ارتباط با دیگران؛

فراگرفتن ارزشها و اعتقادات عمومی جامعه (کوئن، ۱۳۸۰)

از زیرشاخه های اجتماعی شدن می توان به خانواده، مدرسه، همسالان، رسانه های ارتباط جمعی، نهادهای مذهبی، طبقه اجتماعی و... اشاره کرد. مدرسه جزئی از نهاد آموزشی است که زیرمجموعه نهاد بزرگ آموزش و پرورش در هر کشوری به شمار می آید که فرایند آموزش رسمی را از دوران کودکی بر عهده دارد. افراد تحصیل کرده از تأثیر حکومت بر زندگی خود آگاهی بیشتری دارند و توجه بیشتری به حوزه سیاست می کنند. اینان در مورد فرایندهای سیاسی اطلاعات بیشتری دارند و در رفتار سیاسی خود عهده دار طیف وسیع تری از فعالیتهای سیاسی هستند (اعتمادی، ۱۳۷۶). همین طور استمرار و بقای هر جامعه ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانش ها و مهارت های آن به نسلهای جدید منتقل شود. وسیله این انتقال آموزش و پرورش است. آموزش و

پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه پذیری است؛ یعنی جریانی که از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و به طور کلی فرهنگ جامعه خود می پردازند. درحالی که آموزش و پرورش به معنی خاص، جریانی است که افراد به واسطه آن در وضعیت های اجتماعی سازمان یافته، در معرض آموزش منظم دانشها، مهارتها، رفتارها و گرایش های معین قرار می گیرند. در هر جامعه این وضعیت ها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمانهای رسمی آن تشکیل می شوند (شاه قلعه، ۱۳۹۰)